



ماشین بازی

درست یادم نیست اما فکر می‌کنم سال ۷۱ بود؛ هنوز ازدواج نکرده بودم که یک ژان مدل ۵۶ کرفتم. از دایمی مر حومم به ۲۶۰ هزار تومان خریدم. قبلیش موتور داشتم. بآن می‌رفتم سر تمرین. دوسه باری موتور مرا دزدیدند. یادم هست روزنامه خراسان تیتروز موتور قهرمان ایران را بردند. خوشبختانه ژان را کسی نمی‌برد. خودروی بعدی من، پیکان مدل ۴۸- تهران الف بود. بعد از آن رنوی سفید مدل ۷۲ و بعدش باز هم رنوی یک مدل بالاتر. بعدش که قهرمان آسیا شدم، یک پیکان صفر جایزه دادند که فروختمش و یک پراید مدل ۷۷ خریدم. بعد از آن یک دووسیلو خریدم که خیلی دستم نماند؛ با چاقو خط خطی اش کرده بودند و مجبور شدم بفروشمش. بعدش وبه مدت هفت هشت سالی سوزوکی داشتم، الان هم تویوتا کمری دارم.

سرانه ورزشی، شایسته مشهد نیست

□ سال ۶۹ امیر توکلیان در ۱۹ سالگی به عنوان یکی از چهره‌های مطرح استان معرفی شده بودید و در سطح ملی حرف‌هایی برای گفتن داشتید. شرایط خود کشتی مشهد و خراسان چگونه بود؟

ما به نوعی نسل طلایی بودیم. سال ۶۹ که من نفر اول شدم، از مشهد سه نفر ملی پوش داشتیم. مسابقات آسیایی ۱۹۹۵ در مانیل فیلیپین. من، رسول خادم و منصور عابدیان (که خدا رحمتش کند) سه مدال طلا گرفتیم؛ سه ملی‌پوش از خراسان. قبل از ما ناصر زینل‌نیا، دلاوری بود برای خودش. بعد از ما هم خیلی جوان‌های دیگر بودند که تازه داشتند می‌آمدند مثل برادران علی‌زاده، رضا صفایی و رضا رمضان‌زاده. برادران خادم ما را بالا کشیدند و ما، برادران علی‌زاده را. می‌خواهم بگویم همیشه یک نفر پرچم‌دار بود، اما متأسفانه ما دنبال پشتوانه‌سازی نبودیم؛ آن موقع قدر نمی‌دانستیم، فکر می‌کردیم این آدم‌ها برای همیشه هستند، این افراد ۷ الی ۸ سال مطرح بودند اما هیئت کشتی ما هیچ‌وقت دنبال پشتوانه‌سازی نرفت. من سال ۲۰۰۲ آدم کشتی بگیرم، میدان ندا دند، گفتند می‌خواهیم به جوان‌ها میدان بدهیم، یعنی عملاً کشتی من سال ۲۰۰۱ با نقره جهان تمام شد؛ بعد از بلغارستان.

□ در واقع شما آخرین نسلی هستید که به تیم ملی بزرگسالان رفتید. در سال‌های بعد کسانی آمدند اما کشتی گیر اول تیم ملی نشدند. دلیل اینکه کشتی مشهد فقط تا جوانان، خوب پیش می‌رود، چیست؟

در زمان ما، جوانان، نوجوانان را کم‌کم می‌کردند بزرگسالان، جوانان را. آن نسل از نوجوانان، آمد جوانان و از جوانان رفت به بزرگسالان. ما الگوهای خوبی داشتیم مثل برادران خادم. این‌ها ما را می‌کشاندند بالا. چیزی که به ما انگیز می‌داد این بود که می‌گفتیم «من باید بشوم خادم». آن نسل ۷-۸ سال کنار هم بودند اما نه اداره کل، نه هیئت کشتی و نه حتی مردم، هیچ‌کدام فکر نمی‌کرد بعدش چه؟ وقتی ستاره‌ها خدا حافظی کردند یکبار پشت سرمان را که نگاه کردیم، هیچ نبود. یک دفعه به خودمان آمدیم که چرا ۱۰ سال کار نکردیم؟! حالا که می‌خواهیم کار کنیم نمی‌شود، سخت شده است. مدیریت‌ها عوض شده، هزینه‌ها بالا رفته، امکانات نیست و سطح کشتی ما پایین آمده، یک دفعه از ۱۰۰ رسیده است به ۱۰. پر کردن این اختلاف ساده نیست.

□ شما سر بازی هم رفتاید؟

بله. از ۲۱ مرداد ۷۰ تا ۲۱ مرداد ۷۲. من بودم، علی‌هاشمی بود، خداداد عزیز، رمضان شکری و خیلی‌های دیگر. همه ما پشت سداً یاد خدمت می‌کردیم که بعدها شد باشگاه فجر. چهار ماه بعدش رفتم سر کار. داستان از این قرار بود که قبل از سال ۷۲ عضو تیم ملی بودم. مهندس آرمان، وزیر راه و ترابری بود، مهندس گنبدی هم در راه و ترابری بود، مهندس سلطان رئیس فدراسیون کشتی بود و حاجی طالقانی هم نائب رئیس. به مهندس سلطان گفتم من بیکار هستم. گفت برو راه آهن. آن زمان راه آهن کارگر می‌گرفت، من شدم کارگر راه آهن که همچنان هم هستم. البته تا زمانی که کشتی می‌گرفتم سر کار نمی‌رفتم. راه آهن پست سازمانی برای من نداشت، شدم کارگر ثابت روز مزد. الان هم کارشناس مسئول تربیت بدنی هستم با همان بیمه کارگری تأمین اجتماعی. البته باز هم به خاطر شرایط کاری زیاد سر پستم حضور ندارم. عملاً از سال ۸۱ که آمدم راه آهن و پاپر جا ایستادم، خیلی کارها کردم. سالن کشتی را مرمت کردیم و چند رشته دیگر را هم فعال کردیم؛ به نحوی که چند سال بعد راه آهن چند تیم در لیگ‌های برتر داشت؛ فوتبال، کاراته، تکواندو، تنیس روی میز، والیبال و کشتی.

□ اولین باری که احساس کردید، پدرتان از کشتی گیر شدن شما خوشش آمده، کی بود؟

اسم پدرم محمود است؛ گاهی اوقات به شوخی می‌گفتم «خب محمود خان، یادت هست نمی‌گذاشتی بروم کشتی، حالا خوب پز می‌دهی جلوی هم‌محله‌ای‌ها و هم‌مسجدی‌ها». اما واقعیت اینست که پدرم دست‌تنگ بود؛ یک حقوق داشت و کلی بچه. حق داشت. سال ۷۴ جام تختی در مشهد برگزار شد؛ من حریف‌های سختی

داشتم. علی اکبرزاد، قهرمان تیم ملی که رفته بود المپیک. من تا ۱۷ ثانیه مانده به آخر، یک بر هیچ عقب بودم؛ آن هم در مشهد، در شهر خودم. تا اینکه خدا خواست و یک کول انداز ۳ امتیازی به اوزدم. تصور کنید سالن بهشتی مشهد را، نرده کشیدند و بابای من هم آن بالا. از بالای نرده‌ها با کت و شلوار چطور پریده بود و آمده بود وسط تشک که مرا ببوسد، نمی‌دانم. یک لحظه به خودم آمدم دیدم در آغوش هستم.

□ شما گفتید مربی‌تان هم مربی فنی بود هم مربی اخلاق؛ امیر توکلیان هم همین شیوه را دنبال می‌کند؟

بله. شاید این‌ها را از مر حوم موسوی آموخته باشم. من به درس آن‌ها، به مویشان، به ریش آن‌ها، به لباس پوشیدن و حتی انگشت دست کردن و ساعت بستن‌شان هم کار دارم. کشتی گیر باید تیپ کشتی‌گیری داشته باشد. ساده باشد و مردم‌دار.

□ پس اصطلاحاً آدم‌گیری هستید؟

این بداخلاقی نیست. فقط در کار خیلی جدی هستم. یک زمانی شاید فقط می‌گفتم قهرمانی اما الان می‌گویم اول سلامتی. شاید شاگرد من هیچ وقت قهرمان دنیا نشود، اما اینجا چیزهایی یاد می‌گیرد که در آینده به دردش می‌خورد. صبر و تحملش در مشکلات زندگی و اجتماع زیاد می‌شود. کشتی رشته خوبی است برای اینکه انسان بتواند خیلی از سختی‌ها را تحمل کند.

□ وصیت آخر؟

سرانه ورزشی ما خیلی کم است و شایسته خراسان، شایسته مشهد به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام نیست. اعتقاد بر این است که نگاه دولت به ورزش خیلی قشنگ نیست. ورزش سرمایه‌گذاری است؛ هزینه نیست، برای همین از دوستان شورای شهر که اداره شهر را برعهده دارند نیز تقاضا دارم نگاهشان صرفاً خدمت‌مندی نباشد. خدمت‌دهی جزو اولویت‌های آن‌هاست اما همه مادر برابر مشکلات ریز استان مان مسئولیت اجتماعی داریم. شاید در خیلی از حوزه‌ها مشکل داشته باشیم اما در حوزه ورزش مشکلمان بیشتر است. اگر می‌خواهیم دچار تهاجم فرهنگی نشویم باید جوانان سالمی داشته باشیم. ورزش همگانی داشته باشیم؛ نمی‌گویم همه قهرمان شوند اما حداقل سلامت اجتماعی لحاظ شود.

مدال‌ها		
قهرمانی جهان		
۶۹ کی	صوفیه ۲۰۱	نقره
بازی‌های آسیایی		
۶۹ کی	بانکوک ۱۹۹۸	طلا
قهرمانی آسیا		
۶۸ کی	۱۹۹۵ مانیل	طلا
۶۹ کی	۲۰۰۱ اولان باتور	طلا
۶۸ کی	۱۹۹۵ یکن	برنز

- کشتی گیر ترسو؟
- چی بگم والا، متأسفم فقط
- غیرت ایرانی؟
- باعث افتخار
- مدال جهانی؟
- افتخار ملی
- المپیک؟
- بزرگترین
- زیرگیری؟
- کشتی آزاد
- کشتی گیر محبوب؟
- رسول خادم
- کشتی آزاد؟
- عشق
- کشتی فرنگی؟
- زیبا
- استخاره؟
- بهش اعتقاد دارم
- رسول خادم؟
- مدیری که فدراسیون کشتی برایش خیلی کوچک است
- باشگاه‌راه آهن؟
- افتخارات زیادی با آن دارم
- رفیق؟
- برادر
- ۶۹ کیلو؟
- بود، دیگه نیست
- انتخابی؟
- عدالت
- بزرگ‌ترین شادی؟
- آرامش
- روس‌ها؟
- کشتی بلد
- ثانیه‌های پایانی؟
- ارزشمند
- کشتی خراسان؟
- افتخار گذشته
- مدیر غیر ورزشی؟
- خیانت به ورزش و جوانان

